

سرمقاله

ضررها و ضرورت های شبه نظامی سازی

حفیظ الله ذکی

اکنون بحث مسلح سازی مردم در مناطق ناامن به یک مسأله و خواست جدی تبدیل شده است. مردم معتقداند که وقتی حکومت نمی تواند امنیت آنها را تأمین کند؛ پس باید اجازه دهد که مردم از مناطق شان دفاع نمایند. البته سال ها پیش وقتی موضوع ارتبکی سازی مطرح شد؛ بسیاری از مردم با این طرح مخالفت کردند. آنان اعتقاد داشتند که ارتبکی سازی هرج و مرج، قانون گریزی و آزار و اذیت مردم را بیشتر می کند و یک نیروی موازی با پولیس را در مناطق حاکم می گرداند که هم باعث تداخل وظیفوی می گردد و هم راه فرار از مسؤلیت را باز می کند. علاوه بر همه اینها مسأله کنترل و نظارت بر این نیروها است که ممکن است در آینده خود به درد سر بزرگ دیگری برای حکومت تبدیل شود.

ارتبکی سازی در شرایط عادی یک عمل شایسته و توجیه پذیر نیست؛ اما وقتی حکومت و نیروهای امنیتی نتوانند در برابر هراس افگنان از جان و مال مردم دفاع کنند؛ سردم ناگزیراند که یا به هراس افگنان تسلیم شوند و یا در برابر آنها بجنگند. ارتبکی سازی مخالف تمام سیاست ها و کوشش هایی است که در سال های گذشته برای جمع آوری سلاح و یا خلع سلاح افراد غیر مسؤل صورت گرفته است. دولتی که تا دیروز اسلحه مردم را جمع آوری می کرد، امروز خود سلاح توزیع می کند. این چرخش صدو هشتاد درجه ای جز با ضعف و ناکامی حکومت و ناگزیری مردم قابل توجیه نمی باشد.

عملکرد این نیروها بستگی به توانایی مدیریتی حکومت نیز دارد. اگر این نیروها روزی احساسی کند که حکومت نظارت دقیق بر کار آنها ندارد و آنها را مجبور نمی کنند، تا از عملکردهای خود در برابر حکومت پاسخ گویند؛ در آن صورت میزان تعهد و وفاداری این نیروها به حسدی نخواهد بود که از قدرت و توان خود سوء استفاده نکنند و در برابر مردم و یا حکومت نایستند.

وضعیت فعلی در کشور به سستی پیش رفته است که مردم علاوه بر نیروهای ارتبکی که در قالب وزارت داخله سازمان می یابد، خواهان مسلح سازی همه کسانی اند که آماده اند در برابر دشمنان بجنگند. روند بسیج مردمی تا هنوز در چند مورد مشاهده شده است، اما سیاست رسمی حکومت در این مورد چندان روشن نبوده است. شدت درگیری ها و افزایش ناامنی ها در تابستان اسباب مسلح شدن مردم شده است. در ریسس جمهور بفرستند که بر مبنای آن مجاهدین سابق از سوی حکومت مسلح و تحت رهبری شورای عالی مشورتی، به جبهه ها اعزام شوند. با این که برخی از شهروندان بر ضرورت تطبیق این طرح تأکید می کردند؛ اما از طرف بسیاری از کارشناسان مورد نقد قرار گرفت و آن را آغاز یک انارشی جدید در جغرافیای افغانستان عنوان کردند.

اکنون ریاست جمهوری کشور مخالفت شدید خود را با مسلح ساختن شبه نظامیان اعلام کرده است به این دلیل که این نیروها در گذشته در افزایش ناامنی، ایجاد فضای آزار و اذیت شهروندان و تضعیف حاکمیت قانون نقش داشته و در بلند مدت نیز باعث ناامنی های بیشتر می شود.

از نظر مردم این دلایل کاملا مؤجه و پذیرفتنی می باشند. مردم بدون شک از مسلح سازی افراد منطقه خاطره خوشی ندارند. ولی از طرف دیگر بسیاری از مناطق همه روزه با تهدید امنیتی روبرو هستند. این مناطق توسط شورشیان اشغال می شوند، تعدادی از مردم بیگناه آن مناطق کشته می شوند، اموال شان به غارت می روند و سبب مهاجرت های اجباری خانواده ها می گردند. دراین حالت مردم از حکومت توقع دارند که در راستای امنیت آن مناطق اقداماتی را روی دست گیرد و جلو سستمگری های شورشیان را بگیرد. وقتی حکومت از این برادرین خواست مردم عاجز باشد، گزینه بعدی مردم این است که از حکومت بخواهند تا به آنان اجازه دهند که خود از جان، مال، عزت و ناموس شان دفاع نمایند. در این صورت حکومت هم دوگزینه دارد: یا باید امنیت مردم را تأمین کند و یا حق دفاع را برای مردم به رسمیت شناخته و در این راستا به مردم مناطق ناامن کمک کند.

رسانه های پاکستانی خبر از بازگشایی دوباره دفتر قطر داده است. شیر محمد عباس استانکزی به جای طیب آغا رئیس این دفتر برگزیده شده است و ملا عبدالسلام حنفی به عنوان معاون این دفتر معرفی شده است. آیا فعال شدن دوباره دفتر قطر جانی دوباره به روند گفتگو های صلح می بخشد؟ دفتر قطر با چه رویکردی باز شد و چه دستاورد های در روند گفتگوهای صلح داشته است؟ آیا گفتگوی صلح منجر به امنیت و شکل گیری ثبات در افغانستان خواهد شد؟

دفتر قطر زمانی در قطر گشایش یافت که گفتگو با گروه طالبان به مثابه سیاست جدی حکومت افغانستان در دوره حامد کرزی مطرح شده بود. در اوائل طرف های گروه طالبان دو طرف گفتگو بود، پاکستان و ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای دیگر همانند هند، ایران و ... نیز خود را به عنوان طرف های مهم مطرح می کردند. در آغاز روند گفتگوی صلح پاکستان ترس و هراس از نفوذ فزاینده هند بر روند گفتگوی صلح داشتند. به همین منظور تلاش نمودند تا دفتر قطر را ایجاد نمایند و بازی در روند صلح را تحت کنترل خود بگیرد. دفتر قطر اما، طرف اصلی گفتگو را ایالات متحده آمریکا می دانست. به همین منظور حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان با آن برخورد تند و شدید داشت. با این حال، دفتر قطر در مدت فعالیت خود نتوانست نقش ارزنده و مثبت در روند گفتگو های صلح بازی نماید. این دفتر نتوانست ششستنی میان نمایندگان گروه طالبان و دولت افغانستان فراهم کند.

بعد ها وقتی خبیر مرگ ملا عمر، رهبر گروه طالبان منتشر شد. رئیس دفتر قطر، طیب آغا استعفا نمود. با استعفا ی طیب آغا مشخص نیست. اینکه آن ها در سطح رهبری گروه طالبان در کدام رده جای دارد، تا چه اندازه میان گروه طالبان نفوذ دارد، رهبری جدید گروه طالبان تا چه اندازه بر این دو فرد اعتماد دارد و ... همچنان بی

علی قادری



پاسخ است. با این حال، بعید به نظر می رسد که این دفتر بتواند موتور گفتگوی صلح را به حرکت در آورد. در صورتی که دفتر قطر نقش ارزنده در روند گفتگوی صلح بازی نماید، با این حال نشانی می دهد که این دفتر نقشی در روند گفتگوی صلح نداشته است. بنابراین، چندان جایی برای نگاه خوشبینانه باقی نمی ماند. به عبارت دیگر، خوشبین بودن به باز شدن دوباره دفتر قطر مبنی بر جانی تازه بخشیدن به روند گفتگوهای صلح امر خلاف کارکرد ها و تجربه گذشته این دفتر است. اگر چه رئیس و معاون این دفتر تغییر کرده است اما تا هنوز معلوم نیست که این دو شخص جدید تا چه اندازه ابتکار عمل از خود نشان می دهد. گذشته شیر محمد استانکزی و عبدالسلام حنفی تا هنوز مشخص نیست. اینکه آن ها در سطح رهبری گروه طالبان در کدام رده جای دارد، تا چه اندازه میان گروه طالبان نفوذ دارد، رهبری جدید گروه طالبان تا چه اندازه بر این دو فرد اعتماد دارد و ... همچنان بی

کشانده و عملا گفتگو را بی معنی می سازد. در عین حال، این گروه بار ها، خواهان خروج نیرو های بین المللی از افغانستان شده است و اعلان نموده است که تا زمانی که نیرو های بین المللی از افغانستان خارج نگردد، آن ها به جنگ خود ادامه می دهد. این در حالی است که اشرف غنی، رئیس جمهور از آمریکا و کشور های عضو ناتو در خواست کرده بود که نیرو های خود را در افغانستان حفظ کنند. بنابراین، وجود پیش شرط های این چنینی روند گفتگوی صلح را به بن بست کشانده است.

بعد از انتشار خبر مرگ گروه طالبان این المللی از افغانستان است. این در حالی است که تغییر قانون اساسی برای مردم افغانستان قابل قبول نیست. قانون اساسی از مهمترین دستاورد های پیش از یک دهه گذشته است. اکنون اگر هزینه گفتگوی صلح تغییر قانون اساسی باشد، پیش از یک دهه جنگ معنی می شود. از این جهت، پذیرش این پیش شرط گروه طالبان روند گفتگوی صلح را به بن بست می

ترور و پناهجویی

محمدر فعی محمودیان / منبع: رادیو زمانه / قسمت ششم



است. به او می توان پناه داد و سپس به سرعت در ساز و کار سرمایه داری ادغام کرد. تروریست مشکل بزرگتری برای نظم جهانی است. او خروج از نظم را برگزیده است. نه کار می کند و نه در بازار حضوری جدی دارد. ولی او دشمن است و اینها می توان از او انتظار داشت. دشمنی او اصلا امری ارزشمند است. عدم حضور او در چرخه کار و مصرف سرمایه داری نشان از درستی کارکردی و اخلاقی این چرخه دارد. او باید به سان عاملی دهشتناک و خونریز با آنچه برای دیگران آسایش، هیجان و زیبایی ایجاد می کند سر ناسازگاری داشته باشد.

با همه ناتوانی پناهجو و مقاومت و دشمنی تروریست، باز سرمایه داری آنها را در ساز و کار خویش ادغام می کند. پناهجو آهنگام که سر پناهی یافت نیروی کاری است که در ارزیابی ناشی از بیگانگی و سرگستگی بهترین زمینه را برای افزایش نرخ سود و سرمایه گذاری های جدید فراهم می آورد. می توان مشکوک و جدید مطمئن بود که سرمایه داری در غرب پناهندگان را نیروی کار ارزانی می بیند که نه در کشورهایی دور که در شهرهای کوچک و بزرگ غرب می توانند استثمار شوند. پناهجو همچنین می تواند خود به کالای مصرفی تبدیل شود. سرمایه داری پناهجویی را به صورت یک پدیده حسی-عاطفی به توده های مردم می فروشد. رسانه ها با گزارش و مطرح کردن وضعیت آنها مخاطب جذب می کنند تا در آن بستر نفوذ و موقعیت خود را میان توده ها تحکیم بخشند. رسانه ها وضعیت پناهجویان را نه همچون یک داده یا واقعیت که همچون یک کالا یا بسته بندی حسی-عاطفی به توده مردم ارائه می دهند. آنها را همچون موجوداتی

خود را به آن صورت در جامعه باز یابند. آنها نمی خواهند به سان انسانی ضعیف، متفاوت یا منحرف شناخته شوند. در این میان پناهجو کسی است که با چهره خود در جامعه (جدید) حضور پیدا می کند. او وجود و درد و رنج خود را آشکارا به نمایش می گذارد. برای اخذ پناهندگی او باید خود را آشکارا به جامعه حق داد. ولی چهره او بی پرسد. این درست چیزی است که از او یک چهره و ابژه رویکرد اخلاقی می سازد.

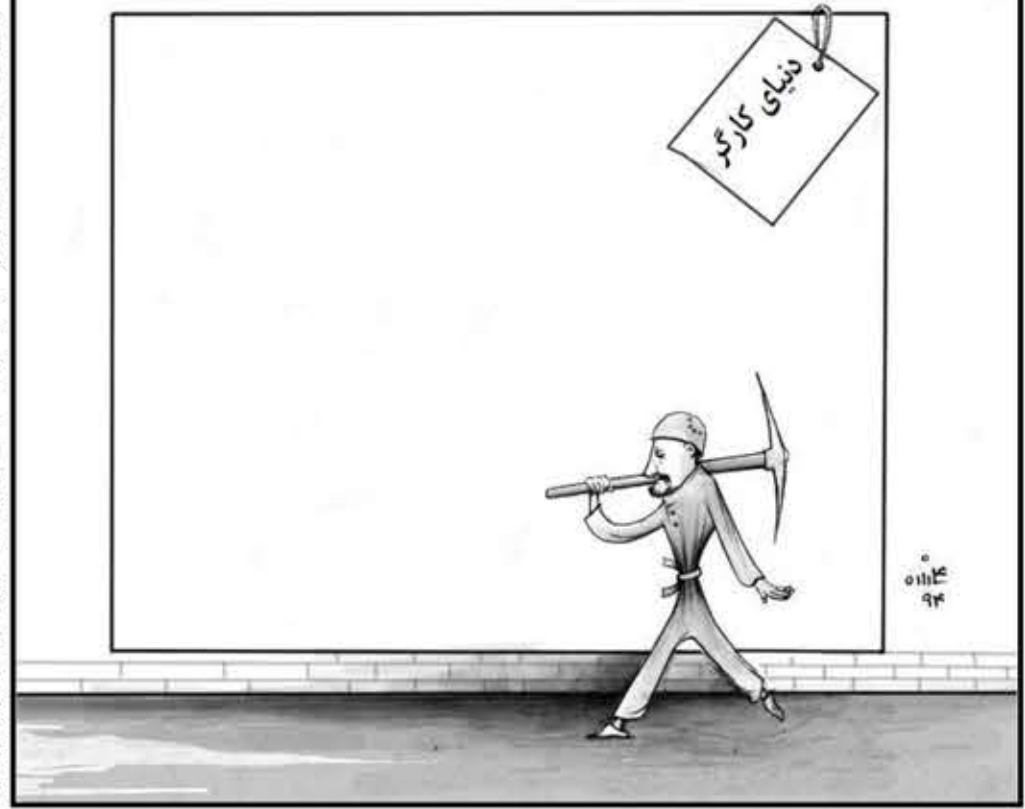
با پناهجو اخلاق لنگرگاهی در جامعه مدون پیدا می کند. ولی چه نیازی به اخلاق و در آن رابطه به وجود پناهجو است؟ این نمی توان بدون رویکرد اخلاقی زندگی را پیش برد؟ بدون تردید می توان زندگی را بدون کاربرد اخلاق در حوزه عمومی پیش برند. ولی زندگی مدرن انسانها را محکوم به تنهایی، انزوا و از خود بیگانگی ساخته است. کار و (ایفای) نقشهای اجتماعی متفاوت زندگی و وجود همه را در خود بلعیده است. در حوزه عمومی همه خود را انسانهایی ناتوان و عمو می همه خود را انسان می کنند. به صورت موجودی با رویکردی اخلاقی می توان بر این احساس غلبه یابند و به ناگهان خود را انسانی کامل با وجود و مسئولیتی معین در جامعه احساس کنند. اخلاق برای همه آن فرصت را فراهم می آورد که خود را وجودی با حس و حساسیت انسانی، موجودی تأثیر گذار، کسی دارای توان داری و کنش بر مبنای آن احساس کند. ادغام در کارکرد سرمایه داری

عما امروز در جهانی زندگی می کنیم که در تمامی وجوه خود به تسخیر سرمایه در آمده است. زندگی کم و بیش بطور کامل در کارکرد سرمایه ادغام شده است. کارکرد سرمایه ادغام شده است. کارکرد سرمایه ادغام شده است. کارکرد سرمایه ادغام شده است.

کارتون روز



بدون شرح



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیر: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلا

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

Logo for 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook Afghanistan'. The logo features a map of Afghanistan and the text 'The Daily Afghanistan' and 'Outlook AFGHANISTAN The Lead of the East & the West'.